

علامه به غیر از توحید چیز دیگری را نمی شناخت

استاد بازنشسته فلسفه دانشگاه تهران در مراسم رونمایی از کتاب گلشن شیدایی با بیان اینکه طباطبایی...



استاد بازنشسته فلسفه دانشگاه تهران در مراسم رونمایی از کتاب گلشن شیدایی با بیان اینکه علامه طباطبایی یکسره در حال ذکر و یاد خدا برای او مثل نفس کشیدن بود، گفت: عشق او به اهل بیت (ع) مثال زدنی بود، مرحوم طباطبایی یکپارچه ولایت شناس بود. هنگام عزاداری ها طوری گریه و عزاداری می کرد که باعث تعجب همه می شد. به گزارش خبرنگار مهر، مراسم رونمایی از کتاب "گلشن شیدایی" مجموعه اشعار تصحیح شده علامه طباطبایی با حضور حجت الاسلام دکتر احمد احمدی، منوچهر صدوقی سها، محمدرضا رمزی اوحدی تدوینگر کتاب، خانواده و نوه علامه طباطبایی عصر امروز 13 اسفندماه در باشگاه اندیشه برگزار شد.

حجت الاسلام دکتر احمد احمدی، استاد بازنشسته فلسفه دانشگاه تهران و از شاگردان علامه طباطبایی صحبت های خود را با نحوه خواندن سوره های قرآن در نماز شروع کرد و گفت: خواندن سوره های مختلف قرآن در نماز به ما کمک می کند تا در نماز نیز به ممارست با قرآن دست یابیم. با مطالعه یک سری کتاب های فقهی متوجه شدم در خصوص قرائت سوره کامل یا تقسیم آن در رکعت های نماز میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. عده ای معتقدند که یک سوره کامل را باید در یک رکعت کامل خواند و عده ای تقسیم سوره را در رکعت های مختلف آورده اند، البته اهل تسنن خواندن سوره کامل را واجب نمی دانند.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی افزود: آیت الله مکارم شیرازی عنوان کرده اند که برای خواندن یک سوره کامل در نماز دلیل معتبری نداریم. بنابراین از سالها پیش تاکنون هر جا سوره ای از حفظ باشم آنرا می خوانم هر جا که به یاد نداشته باشم آنرا تقسیم می کنم، بخشی از آنرا در رکعت اول و بخشی دیگر را در رکعت دوم می خوانم. این سبب شد که من در طول یک سال یک دور قرآن را در نماز بخوانم. خیلی وقتها هم سراغ تفسیر سوره می روم و بیشتر از همه از تفسیر المیزان استفاده می کنم.

وی درباره نحوه آشنایی با علامه طباطبایی گفت: سال 1336 برای اولین بار در درس تفسیر ایشان در مدرسه حجتیه شرکت کردم و عاشق ایشان شدم. علامه سال 60 رحلت فرمودند ولی من از همان روزی آشنایی ام با مرحوم طباطبایی زندگی می کنم. اهل خانه تنها مقداری با ایشان ارتباط دارند اما ما که شاگرد ایشان بودیم نه تنها در کلاس درس در خدمت ایشان بودیم و از اطلاعات گوهر بار شان استفاده می کردیم که در مسیر مدرسه حجتیه تا درب منزل ایشان پیاده می رفتیم در خدمتشان بودیم و در جلسات خانگی هم به حضورشان می رسیدیم.

رئیس سازمان مطالعه و تدوین کتاب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت) در ادامه سخنانش اظهار داشت: علامه بعد از فوت همسرشان مدت زیادی ناراحت بودند. افسردگی در وجودش کاملاً مشخص بود. یک شب در جلسات پنجشنبه شبها ناگهان اشک از چشمانشان جاری شد مدتی طول کشید تا اینکه سرش را بلند کرد و متوجه سایرین شد و اشک هایش را پاک کرد. علامه سرتاسر ذوق بود. همان شعری که برای دخترش گفته است اگر کسی شاعر باشد متوجه می شود که این کار یک انسان معمولی نیست و تنها یک شاعر متبحر می تواند اینگونه شعر بسراید. کار فلسفه رفتن به عمق و کار شاعر آمدن به سطح و بازی با الفاظ است. خداوند به این آدم آنقدر ظرفیت داده بود که سطح و عمق را با هم درک می کرد.

این شاگرد علامه درباره عادات دیگر علامه و اهمیت دادن ایشان به ورزش گفت: آن دوره خانه های ما اجاره ای بود. مرحوم علامه قدم زنان به خانه ها می رفتند و جلسات سیار را برگزار می کردند. یک بار از خیابان صفائیه تا پشت بیمارستان مرحوم گلپایگانی پیاده به منزل ما آمد. گفتم حاج آقا خسته نشدید؟ گفت نه! خوب است.

وی با بیان اینکه هر توفیقی دارم از دعای مرحوم طباطبایی و مادرم است، گفت: علامه طباطبایی در جایی گفته بود احمدی گاهی کمکی برای المیزان می داد اما از زمانی که از قم رفته است کمک حالمان را از دست داده ایم. با شنیدن این جمله پشت دیوار رفتم و بسیار گریستم. آذربایجانی های در مجموع نمک شناس هستند. المیزان علامه طباطبایی ناسخ التفسیر است. استاد مطهری گفته بود حالا قدر این تفسیر را نمی دانیم، 100 سال دیگر می فهمیم که این تفسیر چه کتاب ارزشمندی است. این کتاب به اندازه ذره ای سر هم بندی نبود. هر کلمه آن بجا و با معنی به کار برده شده بود.

احمدی در پایان سخنانش گفت: من شاگرد خوبی برای علامه نبودم یعنی آن استعدادی که باید برای آموختن باشد، نداشتم. از سویی به دانشگاه تهران می رفتم و اساتید آنجا را می دیدم و بعد خدمت ایشان می رسیدم و با آموخته های پربار ایشان مواجه می شدم. در واقع علامه بود که ما را نگاه داشت و علم واقعی را به ما آموخت. علاوه بر مطالعه فراوانی که داشت و ساعات بسیاری را در شبانه روز صرف مطالعه و تحقیق می کرد، یک سره در حال ذکر بود. یاد خدا برای او مثل نفس کشیدن بود. عشق او به اهل بیت (ع) مثال زدنی بود، مرحوم طباطبایی یکپارچه ولایت شناس بود. هنگام عزاداری ها طوری گریه و عزاداری می کرد که باعث تعجب همه می شد. همین موضوعات باعث شد که یاد او همچنان زنده بماند. عشق او به اهل بیت (ع)، یاد خدا و مطالعه فراوان. هر کسی اگر قصد دارد در دنیا و آخرت عاقبت بخیر باشد باید علامه را در همه امور الگو قرار دهد.

منوچهر صدوقی سها، محقق فلسفه و عرفان اسلامی دیگر سخنران این نشست بود، وی درباره نحوه دیدار با علامه طباطبایی گفت: سه بار خدمت علامه رسیدم، دو بار در بیداری و یک بار در خواب. دفعه اول درب منزل ایشان نیمه باز بود به محض اینکه دق الاباب کردم جلوی منزل حاضر شد. به ایشان گفتم تاریخ حکمایی دارم و می خواهم شرحی برای آن بنویسم استدعا دارم که در این مسیر راهنمایی ام کنید. ایشان مختصر گفت: «برو از دکتر نصر بگیر» و بعد داخل رفتم.

وی افزود: دفعه دوم در منزل شان رفتم، خودرویی جلوی منزل پارک شده بود، به محض اینکه درب را زدم باز کرد، گفتم: آمده ام برای زیارت حضرتعالی. چنان هندسه صورت ایشان شکست که تعجب برانگیز بود. با ناراحتی سوار بنز شدند و رفتند. علامه به غیر از توحید چیز دیگری را نمی شناخت و بسیار متواضع و فروتن بود، شاید به همین دلیل وقتی با صحبت من مواجه شد که مسیری را فقط برای زیارت ایشان طی کرده بودم، ناراحت شدند و رفتند. دفعه بعد ایشان را در خواب دیدم استاد جلال الدین آشتیانی نیز حضور داشتند. رو به آقای آشتیانی گفتم: عالم و آدم می دانند که به شما چه ارادتی دارم ولی آقای طباطبایی... «و ما ادراک آقای طباطبایی» و از خواب بیدار شدم.